بسم‌الله الرحمن الرحیم

[معانی امرونهی 2](#_Toc431730412)

[مرور بحث 2](#_Toc431730413)

[احتمالات اول و دوم 2](#_Toc431730414)

[احتمال سوم 2](#_Toc431730415)

[احتمال چهارم 2](#_Toc431730416)

[احتمال پنجم 3](#_Toc431730417)

[علیت بحث 3](#_Toc431730418)

[پاسخ از استدلال فوق 3](#_Toc431730419)

[نظریات در این مقام 4](#_Toc431730420)

[نظریه اول 4](#_Toc431730421)

[نظریه دوم 4](#_Toc431730422)

[بررسی دین رحمانی 4](#_Toc431730423)

[مناقشه در استدلال فوق 5](#_Toc431730424)

# معانی امرونهی

# مرور بحث

بحث در موردی بود که از موارد مهم فقه تربیتی و امربه‌معروف و نهی از منکر به شمار می‌رود که درروند تربیتی می‌توان از تنبیه جسمی استفاده کرد.

# احتمالات اول و دوم

احتمال اول در اینجا این بود که امرونهی تنها استعلایی و قولی است. معنای دوم که شمول آن قریب بود، این است که علاوه بر این موارد، اموری مثل کتابت که در مقام این موارد می‌نشیند را شامل شود.

# احتمال سوم

مورد سوم درجایی بود که جنبه استعلایی به معنای خاص نیست که در نتیجه، شامل اقوال و گفتارهای مرغّب و مشجّع و سایر موارد می‌شود. این معنا را قبول کردیم؛ چه شمول به نحو مفهومی یا مناطی باشد می‌شود این معنا را قائل شد. علاوه بر ادله خاصه‌ای که در این مقام وجود دارد که همان قاعده هدایت و تربیت و امثال آن است.

# احتمال چهارم

احتمال چهارم در معنای امر و نهی این است که افعال مشوّق، مشجّع یا غیره، که درون مایه استعلایی را نداشته باشد را شامل گردد . سه دلیل سابق در اینجا وجود دارد هرچند که شمول مفهومی در اینجا کمتر است. لذا این مورد با مورد سابق چندان تفاوتی ندارد. ادله خاصه‌ای نیز در این میان برای معنای سوم و چهارم وجود دارد که به دلیل اشتراک بامعنای پنجم در آنجا ذکر خواهد شد.

# احتمال پنجم

اما معنای پنجم بدین نحو است که امربه‌معروف و نهی از منکر که برمدار امرونهی قرارگرفته است، متعلق و موضوع آن‌ها امرونهی است. امرونهی علاوه بر معانی اول تا چهارم، شامل یک سلسله افعال و اقدامات عملیه‌ای می‌شود که اگر امربه‌معروف و نهی از منکر نبود، اشکال شرعی در آن وجود نداشت. افعالی که در قول چهارم مطرح شد ذاتشان امور محللی است اما در معنای پنجم که دایره‌ی وسیع‌تری را فرا می‌گیرد افعالی را نیز شامل می‌گردد که لو خلی و نفسه بود، حرام می‌شد؛ مثل اینکه دست و پای شخص را ببندد یا او را به زندان بیندازد که این افعال بدون اذن شخص و حتی در مواردی با اذن شخص نیز حرام خواهد بود، حال در معنای پنجم بحث در این است که آیا این افعال جزو معنای امر و نهی به شمار خواهد آمد.

در واقع سوال این است که آیا امر و نهی این را می‌گیرد یا نه ؟ دوم اینکه اگر امر و نهی این را نگیرد اصل این مسأله ولو طبق قواعد دیگر درست است یا نه ؟

## پاسخ از استدلال فوق

سه نظریه در این جا مطرح است :

# نظریه اول

نظریه اول به مشهور نسبت داده‌شده که صاحب جواهر به آن تمایل پیدا کردند که عبارت باشد از اینکه العنف الجسدی و الاعمال الیدویه و اقدامات میدانی برای باز دارندگی از گناه و وادارندگی به معروف فی‌الجمله جایز است، البته در مواردی گفته شده است که اذن حاکم شرط لازم است.

# نظریه دوم

نظر دوم این است که هرچند اصل امربه‌معروف و نهی از منکر اعمال یدوی را نمی‌گیرد، اما خود این اصل، اصل صحیحی است که نظر استاد آقای تبریزی این بود. اگر کسی این قانون را بپذیرد، این قاعده به‌عنوان قاعده چهارم در مباحث پیشین قرار می‌گیرد.

# نظریه سوم

نظریه سوم، نظریه شاذی است که می‌گوید ما در رفع منکر با تصرف در سلطنت غیر و اعمال یدوی نه تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر داریم و نه تحت قاعده عامه دیگری نداریم.

# بررسی ادله اقوال

در اینجا ادله‌ای وجود دارد که از مهم‌ترین مباحث امربه‌معروف و نهی از منکر است. اما در سایر کتب مانند شرح تبصره آقا ضیاء و دیگران مطالبی ذکرشده است. اما فاضل لبنانی مطالب را به نحو مفصل‌تر و بهتر بررسی کرده‌اند هرچند که نظریه ما با او متفاوت است.

## معنای رحمانیت دین الهی

در این رابطه باید گفت که اصل دین بر رحمانیت است، که البته رحمانیت مجموعی است و معنای دیگری این است که رحمت بر غضب سبقت‌گرفته است اما نه به نحو انحلالی بلکه برای نوع بشر و نظام عالم رحمت است. یعنی رحمت برای فرد مورد عذاب وجود ندارد، ولی برای عامه بشر این حالت وجود دارد. درواقع این دو رحمت با یکدیگر تزاحم دارند و مورد دوم بر دیگری مقدم است و همه قوانین حقوقی و نظام‌ها این حالت را دارند.

## مناقشه در استدلال فوق

به یکی از افرادی که در عصر فعلی هستند و نظریات شاذی را دارند نسبت داده‌شده است که آیات امربه‌معروف و نهی از منکر، موارد شدت و غلظت را دربر نمی‌گیرد و بافت آن‌ها بافت دعوت و خیر است. اما این کلام کاملاً اشتباه است. هرچند که اگر کسی بگوید موارد اذیت دیگران و تصرف در مال و نفوس آن‌ها حرام است و اما در مواردی که این حرمت برداشته می‌شود، نیازمند به علت و دلیل است، این کلام صحیحی است. اما این غیر از موارد ادعاشده در قبال رحمانی بودن اسلام به آن معنا است، چرا که دلیل معتبری بران وجود ندارد.